

عامل تداوم استبداد و استعمار در ایران چه بود؟

۵ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۳:۴۳

این ماده سیاه علاوه بر آنکه پای بیگانگان را به این کشور گشود، حکومت استبدادی پهلوی را نیز از مشارکت مردم بی نیاز کرد.

جوان و تاریخ - مقالات

جمله معروف «نفت طلاست یا بلا» به گوش ما ایرانیان که چرخه اقتصاد کشورمان به آن متکی است عبارت چندان غریبی نیست. واقعیت این است که نفت به عنوان یک عنصر درآمدی مهم، علیرغم سود سرشاری که میتواند برای یک کشور داشته باشد، در برهه هایی از زمان نه تنها موجب شکوفایی اقتصادی ما نبوده، بلکه بر وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور تأثیر مخربی نیز داشته است، چنانچه جدال برخی از قدرتهای استعماری بر سر تصاحب آن، داستانهای متفاوتی را بر کشور رقم زده است. این اتفاقات طیف وسیعی از تأثیرات از جمله دخالت بیگانگان در کشور تا تقویت استبداد و دیکتاتوری را شامل میشود که در این نوشته تلاش میشود تا به برخی از این اتفاقات مهم و تأثیر آن بر سپهر سیاسی کشور اشاره گردد:

درآمدی بر اکتشاف نفت و دخالت انگلیس در آن

نفت ایران برای اولین بار در منطقه مسجد سلیمان و به دنبال امتیاز داری و توسط انگلیسیها کشف شد. طی قرارداد داری که در سال ۱۹۰۱ با شخصی به این نام بسته شد، حق کشف و استخراج نفت به مدت ۶۰ سال به انگلیسیها واگذار و سهم ایران در صورت کشف و استخراج ۱۶ درصد تعیین گردید. ۷ سال بعد از این قرارداد، شرکت نفت داری به نفت رسیده و بدین ترتیب انگلستان با این قرارداد استثماری توانست وارد حوزهی فعالیتهای نفتی ایران شود. البته گرچه حضور استعمار انگلیس به کشور، سابقهای طولانی داشت ولی اکتشاف نفت عملاً باعث تشدید و تداوم حضور این کشور گردید.

اما در ادامه و با گذشت زمان، شرکت نفت انگلیس «بر اساس امتیاز داری درآمد بسیار کمی بابت حق الامتیاز سالانه برداشت از منابع نفتی ایران به دولت مرکزی پرداخت می کرد.» این موضوع در رابطه با حقوق کارمندان شرکت نیز صادق بود، چنانچه کارمندان ایرانی شرکت نسبت به سایر کارمندان از حقوق و مزایای پایینتری برخوردار بودند. این موضوع تا سالیان دراز و تا قبل از ملی شدن نفت، عاملی جهت بروز درگیری و کشمکشهایی میان شرکت نفتی انگلیس و مردم که صاحب اصلی نفت بودند، گردید. نفت علاوه بر تضييع حقوق ملی مردم، عاملی جهت رقابت کشورهای استعماری جهت تصاحب امتیازات مرتبط نیز بوده

رقابت بر سر تصاحب نفت و پیش بردن کشور تا آستانه تجزیه

بعد از پایان جنگ جهانی دوم، نیاز صنایع کشورهای چوَن آمریکا به انرژی، باعث شد تا این کشور نیز جهت کسب منابع نفتی، درخواست امتیازاتی را مطرح نماید. از این رو رقابت شدیدی میان شرکتهای نفتی انگلیس و آمریکا بر سر تصاحب امتیازات نفتی آغاز گردید. در کشاکش رقابت میان این شرکتهای شوروی نیز توسط «مجید آهی سفیر ایران در مسکو به دولت ایران اطلاع داد هیأتی روسی برای مذاکره در مورد نفت عازم ایران است.»^۲

اما در نهایت دولت ایران کلیه پیشنهادات سه کشور را رد میکند که این موضعگیری مورد تأیید انگلیس و آمریکا قرار میگیرد. اما شوروی با واکنش شدیدالحن خود به تصمیم ایران اعتراض نموده و همین امر باعث تیرگی روابط دو کشور میگردد. چنانچه بعد از این اتفاقات شوروی، با خودداری از خروج نیروهای خود از ایران، منجر به بحرانهایی در شمال کشور و منطقه آذربایجان میگردد که در نهایت گرچه با تدابیری بحران پایان پذیرفت، اما کشور را تا آستانه فروپاشی پیش برد. بدین ترتیب اکتشاف نفت علاوه بر تشدید حضور انگلیس و رقابتهای استعماری، باعث ورود استعمار نوظهور آمریکا به صحنه داخلی کشور و وقوع کودتای ۲۸ مرداد نیز گردید.

ملی کردن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

تبعیض و چپاول سرمایه ملی توسط انگلیسها به تلاشهایی جهت احقاق حقوق ملی منجر گردید. تبلور بارز این تلاشها در ملی کردن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق و آیتالله کاشانی تجلی یافت که باعث تصویب لایحه ملی شدن نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در یک ماده و دو تبصره گردید. این لایحه با اعتراض و مخالفت صریح انگلیس مواجه گشت. از این رو انگلیس با ابزارهای مختلف از جمله کمک گرفتن از آمریکا سعی در تغییر این لایحه به نفع خویش نمود. بدین ترتیب آمریکا نیز به تدریج وارد صحنه سیاسی ایران گردیده و با تغییر موضع خود در موضوع ملی شدن نفت از بیطرفی و میانجیگری، تا حمایت از مواضع انگلیس، توانست در کنار این کشور به مداخلهگری بپردازد. در نهایت دو کشور که، «برای برکناری مصدق تا مدتی طولانی بر سر ابزار سیاسی (عمدتاً شاه و مجلس) اتکا داشتند، پس از قیام ۳۰ تیر به این جمعبندی رسیدند که برکناری دائمی مصدق تنها از طریق کودتایی مستقیم امکان پذیر است.»^۳ بدین ترتیب عوامل کودتای ۲۸ مرداد یعنی انگلیس، آمریکا و برخی از چهرهه‌های منسوب به حکومت پهلوی، با استقرار حکومت استبدادی و سقوط حکومت ملی، جای پای خود را جهت مداخلات روز افزون در کشور تثبیت نمودند.

چنانچه بعد از کودتا «شاه ضمن کنار گذاشتن پافشاری مصدق درباره جزئیات ملی کردن صنعت نفت، اصل تقسیم بالمناصفه سود را پذیرفت و با کنسرسیومی متشکل از شرکت بریتیش پترولیوم انگلیس، مالک پیشین شرکت نفت و هشت شرکت نفتی اروپایی و آمریکایی قرارداد بست.»^۴

بدین ترتیب شرکت نفت انگلیس به تنهایی ۴۰ درصد از نفت ایران را گرفت و سهم شرکت هلندی رویال داچ شل ۱۴ درصد تعیین شد و در نهایت شرکت نفت فرانسه هم ۶ درصد باقی مانده نفت ایران را تصاحب نمود. آنچه که در این قرارداد تا حد زیادی حائز اهمیت می‌باشد این است که آمریکا از طریق کنسرسیوم توانست رسماً وارد صحنه اقتصادی ایران گردد و در بسیاری از امور به مداخله بپردازد.

تقویت استبداد شاه در دهه ۴۰ و ۵۰

افزایش قیمت نفت، تا پیش از انقلاب عاملی در جهت تثبیت و تقویت دیکتاتوری و به تبع آن شکل‌گیری دولت رانتیر نیز بوده است. چنانچه با تحریم نفتی اسرائیل از سوی کشورهای عربی قیمت جهانی نفت، در دهه ۴۰ و به خصوص ۵۰ شمسی، رو به افزایش گذاشت و درآمد ایران چند برابر گردید. این اتفاق سبب شد تا شاه با دریافت رانت حاصل از فروش نفت، خود را بینای از مردم دانسته و با تشدید ابزارهای سرکوب، جنبشهای آزادیبخش و انتقادی را به سکوت وادارد. از این رو با افزایش قیمت نفت و «با گذشت زمان، شاه که قدرت بیشتری یافته بود نه تنها حاضر به تعدیل روش خود در حکومت نشد»^۵ بلکه با در پیش گرفتن سیاست «وابستگی به ارتش و قدرت سرکوب، متکی بودن به درآمدهای نفتی، بسته بودن فضای سیاسی و ...» ساختار فرهنگ ناسالم سیاسی را شکل دهد.^۶

از این رو میتوان در تحلیل نهایی از نقش نفت بر ساختار سیاسی و اقتصادی کشور در دوران پیش از انقلاب گفت که این عنصر ارزشمند، در برهه‌های از زمان و به خصوص در دوره پهلوی نقش مهمی در تقویت حکومت استبدادی محمدرضا شاه و جدال قدرتهای بزرگ بر سر تصاحب آن داشته است. به گونهای که میتوان عامل اصلی ورود آمریکا به صحنه داخلی کشور را نفت دانست.

پی نوشت ها:

۱- قدیر نصری، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص: ۱۸۹

۲- علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰) تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۴، ص: ۱۳۰.

۳- یرواند آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم، ۱۳۹۴، ص: ۲۱۲.

۴- یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ پنجم، تهران: مرکز، ۱۳۷۷، ص: ۵۱۶.

۵- آنتونی پارسونز؛ غرور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران: انتشارات هفته، ۱۳۶۳، ص: ۲۹.

۶- علیرضا ازغندی؛ نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، نشر قومس، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص: ۱۱۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۰۹۱/تداوم-استبداد-استعمار-ایران>